

فصل يكم: كليّات

۱- مقدمه

قیصرامین پور شاعر بزرگ معاصر، یکی از تأثیرگذارترین شاعران دوره‌ی پس از انقلاب اسلامی است. این شاعر خوزستانی از فعالان عرصه‌ی شعر دفاع مقدّس بود؛ او هم در عرصه‌ی شعر کلاسیک و هم در شعر نو از بزرگان به شمار می‌رود. ایشان در میان مردم انقلابی ایران از محبوبیت فراوانی برخوردار بوده و هست و بر دیگر شاعران تأثیر بسیار گذاشته است. از سوی دیگر قیصر را بزرگ‌ترین شاعر دفاع مقدّس دانسته اند.

۲- بیان مسأله

قیصرامین پور شاعری متعهد است که در آثارش به طور گسترده ای به موضوع دفاع مقدّس پرداخته است. نقد و تحلیل شعر و شخصیت قیصر و بررسی تأثیر ایشان بر شعر دفاع مقدّس و شاعران دیگر می‌تواند برای شاعران جوان و آیندگان مفید و مؤثر واقع شود. شعر امین پور یکی از ساده‌ترین و صمیمی‌ترین شعرهای دفاع مقدّس و از زیباترین نمونه‌های تلاش شاعران جوان انقلاب در ترسیم زخم و درد، ستیز و نبرد، حماسه و ایثارگری‌های جوانان پرشور انقلاب در عرصه‌های گوناگون هستی این مرز و بوم است و این نقد و تحلیل می‌تواند ما را در شناخت هر چه بهتر روند پیدایش و سیر تکامل شعر دفاع مقدّس یاری دهد.

۳- اهداف پژوهش

مرور شعر و شخصیت قیصر، بررسی تأثیر جهان بینی شاعر در خلق آثار و سبک شعر او، ارزیابی میزان متعهد بودن یا مقهور شرایط حاکم بودن شاعر، بررسی موضوعات مختلف در اشعار امین پور و بررسی تأثیر او بر شعر دفاع مقدّس، ارزیابی میزان توفیق شاعر در شعر دفاع مقدّس و نقد و تحلیل شعر امین پور می‌تواند ما را به شناخت بهتری از ادبیات معاصر به ویژه شعر دفاع مقدّس برساند.

۴- ضرورت انجام تحقیق

ادبیات دفاع مقدّس از دل مقاومت ملت ایران بیرون آمد و شاعران بسیاری را درگستره‌ی

خویش به تکاپو واداشت. این گونه‌ی ادبی با ویژگی‌های مختص به خود از آغاز پیدایش تاکنون فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته و عوامل گوناگونی در شکل‌گیری و بالندگی آن نقش داشته‌اند. با توجه به گذشت بیش از سی سال از عمر این جریان ادبی، هنوز هم نقد و تحلیل جامع و چشمگیری در این زمینه انجام نشده و جای خالی چنین تحقیق‌هایی را می‌توان دید و احساس کرد. نقد و تحلیل همه‌جانبه‌ی آثار یکی از بزرگ‌ترین شاعران دفاع مقدس و بررسی سایه‌روشن‌های آن می‌تواند برای پژوهشگران، ادیبان و شاعران جوان کشورمان روشنگر و راه‌گشا باشد.

۵- اهمیت موضوع

معرفی قیصر به نسل جوان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران معاصر به ویژه عرصه‌ی شعر دفاع مقدس بسیار مهم است. قیصر که خود زبان‌گویای نسل دوم انقلاب است، مورد پسند نسل سوم هم قرار گرفته و شناخت او می‌تواند در هدایت جوانان نقشی مؤثر داشته باشد. بررسی جهان بینی و ارزیابی میزان تعهد او، تأثیر ارزش‌های دفاع مقدس بر شعر قیصر و ارزیابی میزان توفیق این شاعر بزرگ انقلاب و دفاع مقدس و نقش ایشان در تحوّل و بالندگی شعر و ادب معاصر دارای اهمیت فراوان است.

۶- پرسش‌ها و فرضیه‌ها

گروهی بر این عقیده‌اند که قیصر از شعر دفاع مقدس به شعر عاشقانه رسید و برخی دیگر قیصر را بزرگ‌ترین شاعر انقلاب و دفاع مقدس می‌نامند.

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس چه جایگاهی در شعر قیصر امین‌پور دارد و دفاع مقدس چه تأثیری بر شعر و شخصیت امین‌پور داشته است؟

تأثیر جهان بینی امین‌پور بر شعر او چگونه است و دیدگاه قیصر نسبت به انقلاب و حوادث پس از آن چگونه بوده و او از چه کسانی تأثیر پذیرفته و بر چه کسانی اثر گذاشته است؟

شعر و شخصیت قیصر امین‌پور چه جایگاهی در ادبیات معاصر دارد و موضوعات و مفاهیم به کار رفته در شعر ایشان چه چیزهایی می‌باشد؟

۷- پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون تحقیق کاملی درباره‌ی شعر و شخصیت قیصر امین‌پور انجام نشده است که در تمام ابعاد به معرفی و نقد شعر و شخصیت او بپردازد. گرچه در برخی کتاب‌ها اشعاری از قیصر در کنار آثار دیگران بررسی شده و مقالاتی در این زمینه نوشته شده، اما تاکنون اثر قوی و مستقلی پدید نیامده است.

۸- روش تحقیق

این پژوهش، تحقیقی بنیادی است که به صورت کتابخانه‌ای و سندکاوی به انجام رسیده؛ صدها کتاب و مقاله مورد مطالعه قرار گرفته و از بسیاری از آن‌ها در این پایان‌نامه استفاده شده است. پس از یادداشت برداری به دسته‌بندی مطالب پرداخته، برای ترتیب‌بندی و تعیین جایگاه فصل‌ها اقدام کرده‌ایم.

فصل دوم: زندگی نامه‌ی قیصر امین پور

۱-۲- پیش زمینه

قیصر امین پور و اشعارش هرچه که باشند، نمونه‌ی کامل زبان نسل دوم انقلاب اند؛ یعنی همان نسلی که از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی رسید که همین واقع‌گرایی موجب نوشتن افکار

و آرای آنان شده است و شاید به همین سبب اشعار قیصر این گونه مورد استقبال و اشتیاق نسل سوم انقلاب قرار گرفته باشد.

امین پور پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حوزه‌ی هنری و مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت ارشاد و انجمن شاعران ایران و دفتر شعر جوان همکاری داشته است.

امین پور در دهه‌های دوم و سوم زندگی‌اش شاعری انقلابی و جنگ زده می‌نماید که شعرهای دوران جنگش از نوادر ادبیات پایداری آن سال‌هاست.

او از همان ابتدای جنگ بارها در جبهه‌ها حضور یافت، ولی هرگز به خود نمایی و تفاخر در این زمینه نپرداخت.

۲-۲- قیصر امین پور از زبان خودش

«من قیصر امین پور، متولد دوم اردیبهشت ۱۳۳۸ در گتوند هستم؛ جایی بین دزفول و شوشتر در استان خوزستان که الآن شهری شده ولی آن موقع بخش بود. قبل از ورود به دبستان ما را به مکتب خانه فرستاده بودند؛ یکی دوسالی به آشنایی با مقدمات، الفبا، قرآن و این‌طور درس-هایی که در مکتب‌خانه‌ی آن زمان بود گذشت. بعد در هفت سالگی در همان گتوند وارد دبستان شدم. کلاس دوم را در دزفول گذراندم، دوباره تا پنجم ابتدایی به گتوند برگشتم و- دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان را در شهر دزفول گذراندم.

سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب، در دانشگاه تهران در رشته‌ی دامپزشکی قبول شدم. نام پدرم مراد است و مادرم فرنگیس که در دو سالگی من، مادرم فوت کرد و دو برادر دارم که یکی از آنها تنی و دیگری ناتنی است که هر دو برای من مثل هم عزیز هستند و چهار خواهر هم دارم. من در واقع فرزند کوچک مادرم هستم. پدرم در دزفول کارمند سازمان آب و برق و مادرم خانه دار بود.

بیشتر تحصیلاتم در دزفول گذشت و بین گتوند و دزفول در رفت و آمد بودم. البته دوره‌ی راهنمایی و دبیرستانم در دزفول بود. بیشتر کودکی‌ام با نقاشی گذشت؛ یعنی از چهارم یا پنجم ابتدایی به طور جدی با نقاشی شروع کرده و خیلی هم در این زمینه تمرین کردم به طوری که آینده‌ی خودم را که تصور می‌کردم یک نقاش می‌دیدم و در مسابقات مدرسه‌ای،

شهرستان و استان شرکت می‌کردم و گاهی مقامی به دست می‌آوردم و چندبار هم مرا به اردوی رامسر بردند.

در همان زمانی که دامپزشکی یا جامعه‌شناسی می‌خواندم، در تعطیلی دانشگاه‌ها کلاس - خبرنگاری و روزنامه نگاری رفته بودم. بعد از آن ما را به خاطر آموزشی که دیده بودیم تقسیم کردند؛ من را به روزنامه‌ی جمهوری اسلامی فرستادند. با دوستانی که بودند؛ مرتضی سرهنگی، قاسمعلی فراست، سیدمهدی شجاعی و یوسفعلی میرشگاک جلسات و نشست‌هایی داشتیم؛ سید حسن حسینی هم می‌آمد. از آن‌جا با او آشنا شدم و بعد که او هم به حوزه‌ی هنری آمد، من و او مسئول جلسات شعر حوزه‌ی هنری شدیم.

شاید بیست ساله بودم که وارد مجله‌ی انتشارات سروش شدم؛ یعنی یادم هست جایی گفته بودم که من یک جوان بیست ساله بودم که از پله‌های انتشارات سروش بالا رفتم و یک میانسال چهل‌ساله که استعفا کردم و از پله‌ها پایین آمدم. در واقع شاید بیست سال، بهترین سال‌های عمرمان را آن‌جا صرف کردیم. البته نمی‌گویم به هدر دادیم و این مجله غیر از مجله‌ی سروش بزرگسال بود که من دبیر ادبی آن بودم و صفحه‌ی شعرش را منتشر می‌کردیم.

در سروش نوجوان همراه با عموزاده خلیلی و بیوک ملکی سردبیر مجله بودم که بعدها به خاطر محدودیت‌ها و تنگناهایی که بود استعفا کردم و بیرون آمدم. در همین دانشکده‌ی ادبیات با یکی از دانشجویان رشته‌ی ادبیات در سال‌های ۷۰-۶۹ آشنا شدم و خیلی رسمی به خواستگاری رفتیم و موافقت شد. در واقع من موقعی رسیدم که ایشان داشتند لیسانس می‌گرفتند؛ یعنی آخرین ترمشان بود، شاید چون من دیر وارد ادبیات شده بودم و در رشته‌های دیگری بودم بعضی از کلاس‌هایمان مشترک بود. ایشان اهل شهر رودسر گیلان هستند؛ خانم زیبا اشراقی و اسم دخترم هم آیه است.» (رک به: خلوت انس، صص ۶۱-۶۲)

۲-۳- تولد و کودکی

قیصرامین‌پور در روز دوم اردیبهشت سال ۱۳۳۸ در گتوند خوزستان به دنیا آمد. او در آن محیط روستایی پرورش یافت و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند. سپس برای تحصیل در دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان به دزفول رفت. قیصر در چند شعر خود با حسرت از

دوران کودکی یاد کرده است. اوتا سال ۱۳۵۷ که در دانشگاه تهران پذیرفته شد، در همان محیط آرام و آشنا ماند.

۲-۴- اشعاری از قیصر درباره‌ی خودش

ق: و قاف حرف آخر عشق است آن جا که نام کوچک من آغاز می‌شود
(امین پور، ۱۳۸۸، ص ۲۸۰)

در این شعر کوتاه بسیار معروف، قیصر به نام کوچک خود اشاره کرده است. شاید او رابطه‌ای میان خود و عشق می‌دید. همچنین واژه‌ی کوچک ایهام دارد؛ شاعر با فروتنی خود را کوچک دانسته یا همان نام کوچک خود را در نظر داشته است؟

لحظه: لحظه‌ی چشم وا کردن من

از نخستین نَفَس‌گریه در دومین صبح اردیبهشت سی و هشت

تا سی و هشت اردیبهشت پیاپی ... پیاپی ... عینِ یک چشم برهم زدن بود

لحظه‌ی دیگر اما تا کجا باد؟ تا کی؟ (همان، ص ۱۴۲)

در این سروده، امین پور به تاریخ تولد خود و گذشت سی و هشت سال از عمرش اشاره دارد و این که عمر به سرعت می‌گذرد و سرانجامش نامعلوم است.

خیال کمال: گذشتن از چهل رسیدن و کمال

چه فکر کال کودکانه ای زهی خیال خام تمام (همان، ص ۱۴۹)

قیصر در شعر کوتاه خیال کمال به چهل ساله شدن خود اشاره کرده و این گمان که در چهل سالگی، انسان به کمال و پختگی می‌رسد را نفی کرده است.

کودکی‌ها:

کودکی‌هایم، اتاقی ساده بود قصه‌ای، دور اجاقی

ساده بود

شب که می‌شد نقش‌ها جان می‌گرفت روی سقف ما که طاقی

ساده بود

می‌شدم پروانه ، خوابم می‌پرید	خواب‌هایم اتّفاقی
ساده بود	
زندگی دستی پر از پوچی نبود	بازی ما جفت و طاقی
ساده بود	
قهر می‌کردم ، به شوق آشتی	عشق‌هایم اشتیاقی
ساده بود	
ساده بودن ، عادت‌ی مشکل نبود	سختی نان بود و باقی
ساده بود	

(همان، ص ۲۹۸)

در غزل کودکی‌ها، خاطرات کودکی قیصر زنده می‌شوند و او سادگی و صمیمیت آن دوران را می‌ستاید. شاید بتوان گفت ستایش آن زمانه به نوعی انتقاد از زمانه‌ی فعلی است.

خاطرات نخیس: به عصرهای جمعه‌ای که با دوچرخه‌های لاغر بلند تمام اضطراب‌های شبانه‌ی جبر را رکاب می‌زنیم (همان، ص ۱۳۸)

امین‌پور در این شعر اشاره‌ای دارد به دوران مدرسه و اضطراب دانش‌آموزان در آن زمانه. در واژه‌ی جبر هم، ایهامی ظریف وجود دارد.

آرزوی بزرگ: نه چندان بزرگم که کوچک بیابم خودم را
 نه آن قدر کوچک که خود را بزرگم
 گریز از میانمایگی آرزوی بزرگ است؟ (همان، ص ۲۶)

امین‌پور از این که وضعیت و جایگاه خود را نمی‌داند ناخرسند است. او موقعیت و جایگاه خود را نمی‌پسندد؛ میانمایگی شاید نوعی بلا تکلیفی برای او باشد.

چلگی:

به سر موی دوست، دل بستم	رفت عمر و هنوز پیا بستم
مگر این چند روزه دریابم	چله تا درنرفته از شستم
دیگران گر، ز بی خودی مستند	من از این خود، از این خودی مستم
جز همین زخم خوردن از چپ و راست	زین طرف‌ها چه طرف بریستم

جرمم این بود: من خودم بودم جررم این است: من خودم هستم
(همان، ص ۲۲۳)

در این غزل نیز، قیصر به چهل ساله شدن خود اشاره داشته و به از دست رفتن عمر و استفاده‌ی درست از فرصت باقیمانده اشاره داشته است. همچنین به جریان‌های سیاسی هم تاخته است.

رفتار من عادی است: دیشب برای اولین بار

دیدم که نام کوچکم دیگر چندان بزرگ و هیبت آور نیست

این روزها دیگر تعداد موهای سفیدم را نمی‌دانم (همان، ص ۲۵۷)

در شعر نیمایی فوق، پیرشدن تدریجی مطرح گردیده است. همچنین با گذشت عمر، شاعر به شناخت و قضاوت تازه‌ای از خود دست می‌یابد.

جرأت دیوانگی: حس می‌کنم که انگار نامم کمی کج است

و نام خانوادگی ام نیز، از این هوای سربی خسته است

آن جا که ناگهان یک روز نام کوچکم از دستم افتاد (همان، ص ۲۵۳)

گویی بوی نومی‌دی از این شعر به مشام می‌رسد و این که شاعر از اوضاع جاری ناخشنود است. هوای سربی هم ما را به یاد مشکلات زندگی در شهرهای بزرگ می‌اندازد.

سطرهای سفید: واژه واژه سطر سطر صفحه صفحه فصل فصل گیسوان من سفید می-

شوند

همچنان که سطر سطر صفحه های دفترم سیاه می‌شوند (همان، ص ۲۸۱)

باز هم قیصر درباره‌ی پیر شدن و سفید شدن موهایش شعر سروده و سیاه شدن دفتر عمر و پیر شدن ظرف زندگی را بیان نموده است.

حرف آینه‌ها: وقتی خطوط سربی سطح شقیقه‌های مرا با شتاب هاشور می‌زنند

دیگر نمی‌توانم این تارهای روشن را آرام پشت گوش بیندازم (همان، ص ۲۸۴)

در این شعر نیز، شاعر سفید شدن مو و پیر شدن خود را بیان کرده است. گویی امین پور به خود می‌قبولاند که پیر شده است. پشت گوش انداختن نیز ایهام دارد؛ شانه کردن موی شقیقه به سمت پشت گوش یا نادیده گرفتن پیری و سفید شدن مو.

۵-۲- درگذشت قیصر

قیصر پس از تصادفی که درنوروز سال ۱۳۷۸ برای او پیش آمد، همواره از بیماری‌های مختلف رنج می‌برد، حتی دست کم دو عمل جراحی قلب و کلیه را پشت سر گذاشته بود. او بعد از تحمل هشت سال درد و رنج در نهایت ساعت ۳ بامداد سه‌شنبه هشتم آبان ۱۳۸۶ در بیمارستان دی تهران درگذشت. پیکر این شاعر بزرگ خوزستانی در زادگاهش گتوند درکنار مزار شهدای گمنام این شهر به خاک سپرده شد.

۶-۲- تحصیل در دانشگاه

قیصر امین‌پور در سال ۱۳۵۷ در رشته‌ی دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد، اما به دلیل علاقه نداشتن، از آن رشته انصراف داد و در رشته‌ی علوم اجتماعی همان دانشگاه به تحصیل پرداخت.

قیصر این بار در سال ۱۳۶۳ از آن رشته هم انصراف داد و به دنبال علاقه‌اش یعنی ادبیات رفت. همزمان با تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۷ به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۶۹ در مقطع دکترای ادبیات فارسی پذیرفته شد و همزمان به تدریس در آن دانشگاه پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۷۶ با راهنمایی استاد شفیع کدکنی از پایان‌نامه‌ی دکترای خود با عنوان سنت و نوآوری در شعر معاصر، دفاع کرد و به طور رسمی در دانشگاه تهران به تدریس ادبیات فارسی مشغول شد.

۷-۲- تدریس قیصر

امین‌پور از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ در مدارس راهنمایی شهر تهران معلم بود. همچنین از سال ۱۳۶۸ در دانشگاه الزهرا به تدریس ادبیات پرداخت. سپس از سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیل در مقطع دکترا به تدریس درس‌هایی چون ادبیات معاصر و عروض و قافیه در دانشگاه تهران اشتغال یافت.

امین‌پور پس از آن که در سال ۱۳۷۶ از پایان‌نامه‌اش دفاع کرد، به طور رسمی به جرگه‌ی استادان ادبیات پیوست و تا زمان مرگ نابهنگامش به تدریس و راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویان در همان دانشگاه ادامه داد.

۸-۲- فعالیت‌های شعری

قیصر امین‌پور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌ی هنری و مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت ارشاد و انجمن شاعران ایران و دفتر شعر جوان عضویت داشته است. غلامرضا رحمدل-استاد دانشگاه گیلان- معتقد است: «شاعران انقلاب از جمله قیصر، سازمان ادبیات و شعر انقلاب را بنیان‌گذاری کردند؛ علاوه بر آن تحت عنوان عصر سوره، شب‌های شعر انقلاب را برپا نمودند.» (رک به: نامه‌ی پایداری، ص ۱۰۶)

امین‌پور در سروش نوجوان با راهنمایی و هدایت‌گری خود در پرورش شاعران جوان و نوجوان کمک شایانی کرد؛ همچنین قیصر در همان ابتدای انقلاب در شکل‌گیری حلقه‌ی هنری و اندیشه‌ی اسلامی در حوزه‌ی هنری با افرادی چون سیدحسن حسینی، سلمان هراتی و یوسفعلی میرشکاک همکاری داشت.

او در سال ۱۳۶۶ به همراه تعدادی از هم دوره‌ای‌هایش از حوزه‌ی هنری خارج شد و دفتر شعر جوان را پایه‌گذاری کرد.

قیصر در برگزاری جلسات نقد شعر و چاپ آثار ادبی در حوزه‌ی هنری فعالیت داشت و در مرکز مطالعات و تحقیقات هنری ارشاد، دبیر بخش ادبیات بود. همچنین در انجمن شاعران ایران و دفتر شعر جوان در بخش نقد و بررسی شعر حضور فعال داشت.

۹-۲- فعالیت‌های مطبوعاتی

امین‌پور در اوایل انقلاب، هنگام تعطیلی دانشگاه‌ها در کلاس آموزش خبرنگاری شرکت کرده بود. مدتی هم به عنوان روزنامه‌نگار با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی همکاری داشت. ایشان از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۱ دبیر بخش شعر و ادبیات هفته‌نامه‌ی سروش بود.

قیصر در سال ۱۳۶۶ به همراه بیوک ملکی و عموزاده خلیلی، نشریه‌ی سروش نوجوان را بنیان نهاد که تا سال ۱۳۸۳ انتشار این مجله با مسئولیت امین‌پور در سمت سردبیری آن ادامه داشت. قیصر از سال ۱۳۷۶ نیز، دبیری بخش ادبیات فصل‌نامه‌ی هنر را برعهده گرفت و به مسئولیت‌های خود افزود.

۱۰-۲- دوستان و هم دوره‌ای‌ها

از هم‌دوره‌ای‌های قیصر، بیوک ملکی، عموزاده خلیلی، سید حسن حسینی، سلمان هراتی، یوسفعلی میرشکاک، سهیل محمودی، ساعد باقری، محمدرضا عبدالملکیان، علی‌رضا قزوه،

عبدالجبار کاکایی و فاطمه راکعی را می‌توان نام برد که در امور مربوط به شعر، در حوزه‌ی هنری یا پس از آن در دفتر شعر جوان با قیصر همکاری و همراهی داشته‌اند که از این میان به نظر می‌رسد دوستی و صمیمیت قیصر امین‌پور با سیدحسن حسینی رنگ و بوی دیگری داشته‌است. البته باید گفت که دوستان قیصر بی‌شمارند و آن‌گونه که دوستان و آشنایانش می‌گویند او دارای شخصیت جذابی بوده که همه را مجذوب خود می‌کرده‌است.

رضا سیدحسینی، در این زمینه می‌گوید: «قیصر در هر جا بود، فرهنگستان یا دانشگاه، همه او را دوست داشتند و کسی نمی‌دانست چرا؟» (محقق، ۱۳۸۷، ص ۵۰)

۲-۱۱- عضویت در فرهنگستان

قیصر امین‌پور در سال ۱۳۸۲ به پیشنهاد حداد عادل، ریاست وقت فرهنگستان و آرای موافق همه‌ی اعضا به عضویت فرهنگستان درآمد. او با وجود بیماری به طور منظم در جلسات شرکت می‌کرد و بسیار فعال بود تا آن‌جا که در سه گروه ادبیات معاصر، واژه‌گزینی و دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی عضویت داشت.

قیصر امین‌پور یگانه شاعر عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود و فرهنگستان با انتخاب او نشان داد که برای ادب معاصر حرمت قائل است.

بهاء‌الدین خرمشاهی درباره‌ی حضور قیصر در جلسات فرهنگستان می‌گوید: «اظهار نظرهای او اندک، اما پرمایه و مشکل‌گشا بود.» (همان، ص ۴۰)

۲-۱۲- قیصر و انقلاب اسلامی

«قیصر در دوران دبیرستان تحت تأثیر اندیشه‌های انقلابی، در راه اندازی و توزیع نشریه‌ی زیر زمینی حدید علیه رژیم شاه شرکت کرد. تعویض اسامی کوچک‌ها با نام‌های اسلامی و انقلابی و نصب شبانه‌ی تابلوها از دیگر کارهای قیصر و دوستانش در آن دوران بود.» (همان، ص ۹)

همچنین پیش از پیروزی انقلاب، اشعاری انقلابی در قالب نیمایی سرود که در آن‌ها رژیم طاغوت را مورد حمله قرار داد؛ شعر انقلاب شعر خشم و خروش و سلاح مقاومت و مبارزه است.

«طوفان انقلاب و سیل خروشان ادبیات شیعی و عاشورایی، اندیشه‌هایی چون هنر برای هنر را به نهانخانه‌ی نظریه‌های ادبی سپرد و ادبیات را در خدمت تعالی انسان درآورد و به

شعر آبرو بخشید و شهیدان یکی از جان‌مایه‌های ادبیات، به‌خصوص شعر شدند.» (اکبری، ۱۳۷۱، ص ۱۷)

پس از پیروزی انقلاب نیز، قیصر به مقوله‌ی اشاعه‌ی فرهنگ انقلابی و صدور انقلاب توجه داشته است؛ به ویژه آن زمان که استکبار جهانی در مخالفت با انقلاب ما قد برافراشته بود:

گناه اول ما، افتتاح پنجره بود گناه دیگر ما، انهدام دیوار است
خوشا اشاعه‌ی خورشید در بسیط زمین صدور نور به هر جا که آسمان تار است

(امین پور، ۱۳۸۸، ص ۳۴۲)

۱۳-۲- اشعاری درباره‌ی انقلاب اسلامی

امین پور در شعری با عنوان حدیث حادثه که در تیرماه ۱۳۵۷، چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی سروده به هجو شاه و حکومت طاغوتی‌اش پرداخته است:

حدیث حادثه: وقتی خدایگان خود بنده و اسیر خدایان است؟
وقتی که سهم او از راه و رسم اهورایی تنها همان نشان کیان است
هان ای خدایگان در روز بارعام حتی
تمثال بی‌مثال شما را یارای ادای تظلم نداشتیم
آری حتی خری به دست تظلم زنجیر عدل و داد شما را تکان نداد
باری هر جا قدم به خاک نهادید صدها نهال عاطفه خشکید (امین پور، ۱۳۶۸، ص ۶۵)

اینک برخی شعرهای قیصر را که مربوط به انقلاب اسلامی است، با ذکر شماره صفحه‌ی آن-ها از مجموع اشعار قیصر نام می‌بریم: رسم سفر ص ۳۷۰، اتفاق ص ۳۷۲، میراث باستانی ص ۳۷۳، در مسیر باد ص ۳۷۵، پاکنویس ص ۳۷۶ و شعرهایی دیگر که اکنون نمونه‌ی ای از آن‌ها را می‌آوریم:

میراث باستانی: از ره رسیده ایم با قامتی به قصد شکستن
لات و منات را که شکستیم عزّی دگر عزیز نمی‌ماند
میراث باستانی ابراهیم بر شانه‌های ماست (امین پور، ۱۳۸۸، ص ۳۷۳)

۱۴-۲- حضور در جبهه‌ها

محمدرضاسنگری درباره‌ی حضور شاعران در جبهه‌های جنگ می‌گوید: «شاعران از جبهه الهام می‌گرفتند؛ به قول قیصر: "تا به جبهه نروی، به بلوغ نمی‌رسی"؛ تمام آن صحنه‌ها، برای ساختن و ایجاد تحوّل‌های بزرگ کافی بود؛ ما جنگ را بوده ایم، ما جنگ را زیسته ایم،

شنیدن کی بود مانند بودن، بیا عاشقی را روایت کنیم؛ در حقیقت این روایت عاشقی، حضور در لحظه‌هایی است که یک حماسه شکل می‌گیرد و شاعر نزدیک حادثه است و گویی نقّاشی می‌کند.»

(رک به: چشم انداز، ص ۱۳۲)

ناصر پلنگی - نقّاش معاصر - که از همراهان قیصر در جبهه‌ها بوده، در این باره می‌گوید: «در فاصله‌ی دو بیست متری عراقی‌ها نزدیک خرمشهر بهت زده به تاریخ نگاه می‌کردیم. این سفر یک سلوک بود، قیصر آن‌جا خیلی مؤثر بود و شعرش خیلی روی رزمندگان اثر گذاشت؛ این را می‌شد از نحوه‌ی استقبال فرماندهان حس کرد. منش قیصر هم کمتر از آثارش نبود. جذبه و شور اشعار همسفران، روی نقّاشی‌های من تأثیر گذاشت ولی شعری برای جنگ قیصر، مرا تکان داد و روی طراح‌های من به طور عجیبی اثر گذاشت.» (رک به: ویژه‌نامه‌ی قاف، ص ۴)

حسین اسرافیلی هم می‌گوید: «بارها به اتفاق قیصر و سید حسن حسینی به سنگرها و لشکرها رفتیم و برای رزمندگان شعر خواندیم.» (همان، ص ۲۴)

محمدرضا شالباغان نیز، درباره‌ی حضور قیصر در جبهه‌ها و تأثیرگذاری جبهه رفتن بر شعر او می‌گوید: «شعر دفاع مقدّس قیصر همواره دو تفاوت عمده با دیگران داشت؛ نخست آن‌که او خود در عرصه‌ی جنگ حاضر بود و همین سبب شد که شعر و نوستالژی شکوهمند شعرش، هرگز آن رنگ شعاری را به خود نگیرد. دیگر آن‌که او در تمام ایستگاه‌های شعر دفاع مقدّس، در لوکوموتیو این قطار بود و هیچ‌گاه در مسیر کلیشه‌های از پیش تعیین شده گام برنداشت.»

(رک به: شکفتن در آتش، ص ۱۳۲)

هرچند امین‌پور از همان ابتدای جنگ بارها در جبهه‌ها حضور یافت، ولی هرگز به خود نمایی و تفاخر در این زمینه پرداخت؛ با توجه به این‌که:

«بعضی شاعران، با آوردن اصطلاحات مربوط به جبهه تفاخر می‌کردند؛ این کار یعنی

این‌که ما خود بوده ایم و دیده ایم.» (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲)

۱۵-۲- قیصر شاعر دفاع مقدّس

امین‌پور در بدو انقلاب، با شاعران جوانی که در حوزه‌ی هنری گرد هم آمده بودند، آشنا شد و به جمع آنان پیوست و تحت تأثیر یاران و به اشتیاق شاعرانگی‌هایش رشته‌ی تحصیلی خود را تغییر داد و به عرصه‌ی ادبیات وارد شد.

قیصر همان طور که از شعرش پیداست جنوبی است و به همین خاطر است که جنگ را می‌توان در اشعار روزگار جوانی او به خوبی دید و حس کرد. او از نخستین روزهای جنگ، با عده‌ای از دوستانش به جبهه رفت تا علاوه بر کمک به رزمندگان به شعرخوانی برای تقویت روحیه‌ی آنان پردازد. پس از آن نیز بارها در جبهه‌ها حضور یافت تا به تکلیف انقلابی خود عمل کند.

شعرهای دوران جنگ قیصر، از نوادر ادبیات جنگ و پایداری است. امین‌پور شعرهای زیادی در این باره سروده که به عنوان نمونه تعدادی از آن‌ها را با ذکر شماره‌ی صفحه از مجموع اشعار قیصر، نام می‌بریم: راه ناتمام ص ۳۶۹، این سبزشرخ کیست؟ ص ۳۸۰، شعری برای جنگ ص ۳۸۲، گلوی شوق ص ۳۹۰، تقصیر عشق بود ص ۳۹۱، غزل تقویم‌ها ص ۳۹۲، مرز بودن ص ۳۹۵، سبزترین فصل ص ۳۹۶، ساقه‌ی شکسته ص ۳۹۷، زین خالی ص ۳۹۸، سفر ص ۳۹۹، پنجره‌ی رو به باغ ص ۴۰، حماسه‌ی بی‌انتها ص ۴۰۲، بازی آفتاب و باران ص ۴۰۳، هجوم ص ۴۰۴، غزل تصمیم ص ۴۰۶ و بسیاری شعرهای دیگر که اکنون تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم.

۱۶-۲ - اشعاری درباره‌ی دفاع مقدس

راه ناتمام: آن روز بگشوده بال و پر

با سر به سوی وادی خون رفتی

گفتی: دیگر به خانه باز نمی‌گردم

امروز من، به پای خودم رفتم فردا

شاید مرا به شهر بیارند - بر روی دست‌ها -

اما حتی تو را به شهر نیاوردند گفتند:

چیزی از او به جای مانده است جز راه ناتمام (همان، ص ۳۶۹)

آن چه از شهید به جای مانده است چیزی مادی نیست، بلکه راه ناتمام اوست. راهی که اکنون در غیاب شهید کسانی دیگر باید آن را ادامه دهند. ارث شهید تکلیفی است که بر دوش بازماندگان قرار می‌گیرد؛ یعنی ادامه‌ی راه ناتمام او.

غزل سبزترین فصل:

ز جاده‌های خطر بوی یال می‌آید کسی از آن سوی مرز محال می‌آید
صدای کیست؟ خدایا درست می‌شنوم؟ دوباره بوی صدای بلال
می‌آید
ز بس فرشته به تشییع لاله آمد و رفت صدای مبهم برخوردار بال
می‌آید
مپرس از دل خود لاله‌ها چرا رفتند؟ که بوی کافری از این سؤال می‌آید
بیا و راست بگو، چیست مذهب ای عشق که خون لاله به چشمت حلال
می‌آید
به لحظه لحظه‌ی این روزهای سرخ قسم که بوی سبزترین فصل سال
می‌آید

(همان، ص ۳۹۶)

در پاسخ به یاوه‌گویانی که می‌گویند قیصر از شعر جنگ و انقلاب فاصله گرفته، سخن فراوان است؛ از جمله بیگی حبیب آبادی می‌گوید: «یک نگاه به مجموعه‌های قیصر، حاکی از حضور مستمر شعر دفاع مقدس است؛ از اولین تا آخرین مجموعه‌اش و این دلالت بر اعتقاد عمیق او به ارزش‌ها دارد. شعر او همیشه تازه بود و هرگز به تکرار نرسید.» (رک به: ویژه نامه ی قاف، ص ۲۹)

۱۷-۲- شاعر یک نسل

قیصر امین‌پور محصول تلاش‌های فکری سال‌های پرتب و تاب نهضت اسلامی و از نسل دوم انقلاب است. وی در همان سال‌ها آغازین انقلاب، در تشکیل حلقه‌ی هنری واندیشه‌ی اسلامی در حوزه‌ی هنری همکاری داشت.

امین‌پور و اشعارش هر چه که باشند نمونه‌ی کامل زبان نسل دوم انقلاب‌اند؛ یعنی همان نسلی که از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی رسید و همین واقع‌گرایی موجب نو شدن افکار و آرای آنان شده است. شاید به همین سبب اشعار قیصر امین‌پور این‌گونه مورد استقبال و اشتیاق نسل سوم انقلاب قرار گرفته است.

«نگاه قیصر به جنگ، نگاه بچه‌مسلمانی است که وطنش در اشغال دشمن است. این در اشعار او حضوری مستمر دارد و قیصر از جنگ سرودن را دون شأن شاعرانه‌ی خود نمی‌دانست.»

(رک به: ویژه نامه ی قاف، ص ۲۴)

۱۸-۲- تجلیل و یادبود قیصر

آثار قیصر همواره در محافل و جشنواره‌های ادبی مطرح بودند، با این وجود او از مجالس و محافل پرهیز داشت.

قیصر امین‌پور جوایز متعددی دریافت کرده بود، اما هرگز دچار خودشیفتگی نشد و عناوین و جایزه‌ها مغرورش نکرد و شعر او به سیر تکاملی خود ادامه داد. حسین اسرافیلی وقتی از ایثار قیصر سخن می‌گوید، به ماجرای برنده شدن قیصر و انتخاب کتاب تنفس صبح، به عنوان برگزیده‌ی کتاب سال اشاره می‌کند و می‌گوید:

«قیصر جوانمرد بود، حتی در اوج احتیاج از حق خود به نفع دیگران می‌گذشت؛ جایزه‌ی کتاب سال تنفس صبح را بخشید و امضا کرد به نام دیگری، با این که خودش مستأجر بود.»

(همان، ص ۲۴)

او در سال ۱۳۶۵ به خاطر منظومه‌ی ظهر روز دهم برنده‌ی جشنواره‌ی کتاب کانون پرورش فکری کودکان شد. همچنین در سال ۱۳۶۸ جایزه‌ی مرغ آمین (جایزه‌ی نیما یوشیج) را از آن خود کرد و در سال ۱۳۷۵ نیز، جایزه‌ی کانون پرورش فکری را به خاطر کتاب به قول پرستو دریافت نمود.

همچنین قیصر به عنوان برگزیده‌ی شعر کودک و نوجوان ۲۰ سال انقلاب، به دریافت تندیس ماه طلایی نایل شد. البته باید گفت که این شاعر بزرگ، پیش از هرچیز جایزه‌اش را از مردم ایران که او را دوست داشته و دارند گرفته است.

قیصر، شاعری نبود که به خاطر آرمان‌هایش از مردم یا حکومت توقعی داشته باشد. برای او بزرگداشت گرفتند و ویژه‌نامه چاپ کردند، بدون این که خودش شرکت کند و ویژه‌نامه‌اش بدون مطالبی از خود او منتشر شد.

پس از درگذشت قیصر امین‌پور نیز، نام و یاد او همچنان زنده است و او محبوب قلب‌ها و فراموش نشدنی است. از جمله کارهایی که برای یادبود و گرامیداشت نام ویاد قیصر امین‌پور صورت گرفته است، نامگذاری یک میدان در منطقه‌ی سعادت آباد تهران به نام ایشان است که این امر، در اردیبهشت ۱۳۸۷ صورت گرفته است.

همچنین، همزمان با سالروز آزادی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۸۸ پل بزرگ گتوند بر روی رودخانه‌ی کارون با حضور استاندار خوزستان و خانواده‌ی امین‌پور به بهره‌برداری رسید و

به نام پل قیصر امین‌پور نامگذاری شد؛ باشد که یاد و خاطره‌ی این شاعر بزرگ در ذهن و دل و دیده‌ی دوستدارانش و همه‌ی مردم ایران همواره زنده و جاوید بماند.

جایزه‌ی ویژه‌ی شعر دفاع مقدّس هم که از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس به برگزیدگان این عرصه داده می‌شود جایزه‌ی قیصر امین‌پور نامیده شده است.

سرانجام یک سال پس از وفات قیصر، در آبان ماه ۱۳۸۷ ایشان را به عنوان برگزیده‌ی شعر هفتمین همایش چهره‌های ماندگار معرفی کردند.

۱۹-۲- تصادف و بیماری

قیصر در تعطیلات نوروزی سال ۱۳۷۸ در جاده‌ی رودسر گیلان تصادف کرد و از آن پس، درد و بیماری گریبان او را رها نکرد. گویی در این هشت سال پایانی عمرش به صلیب درد کشیده شده بود، اما هرگز شکوه‌ای نکرد و حاضر نشد از امکانات دولتی برای درمان خود استفاده کند.

سعیدی کیاسری دوست و همکارش در این باره می‌گوید: «قیصر در مقطعی که بیمار بود، از هیچ‌گونه امتیاز درمانی ویژه برخوردار نبود. دیالیزش را مثل مردم عادی هفته‌ای یکی- دو بار با تمام سختی‌ها انجام می‌داد و حاضر نشد به عنوان شاعر نامدار مملکت و زبان صمیمی مردم از امتیازی ویژه برخوردار شود.» (محقق، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴)

۲۰-۲- قیصر و پژوهش

قیصر امین‌پور در سال ۱۳۷۶ با دفاع از رساله‌ی دکترای خود با عنوان سنت و نوآوری در شعر معاصر که با راهنمایی شفیع‌ی کدکنی به سامان رسیده بود، موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات فارسی شد که بعدها این پایان نامه به چاپ رسید و با استقبال روبرو شد. امین‌پور درباره‌ی این اثر پژوهشی گفته است: «دشواری کار آن‌جا بود که چون من به نسلی آرمان‌گرا تعلق دارم و کار ادبی و خلاق را برای خود انجام می‌دهم و شعری که دلم می‌خواهد می‌نویسم، فکر کردم در کار تحقیق هم می‌شود این گونه بود اما چنین نبود؛ دانشگاه از من توقع داشت از چشم انداز سنت، نوآوری را بررسی کنم و دوستان مطبوعاتی بر عکس؛ بین این دو دیدگاه سرگردان بودن مشکل کار من بود و موقعی این مسأله حل شد که تصمیم گرفتم یک چشم سوم برگزینم.»

(رک به: یکصد و پنجاه و سومین کتاب ماه ادبیات، سال ۸۳، ص ۱۰)

اهمیت این کتاب به نظر کسانی چون ضیاء موحد در آن است که بعد از حافظ تمام نقد شعر ما تقلید و چسبیدن به قالب‌های کهن تا دوره‌ی مشروطه است و همه تکرار و تقلید است و این که مبدا پایتان را از سنت بیرون بگذارید. ضیاء موحد در این باره متذکر می‌شود: «اگر کسی عظمت نیما را با این کتاب نفهمد در جای دیگر هم نمی‌فهمد و من بی طرفانه می‌گویم که با این کتاب حق نیما ادا شده است.» (همان، ص ۱۳)

محمود فتوحی معتقد است که این کتاب در نوع خودش اولین پژوهش جدی دانشگاهی است که به مسأله‌ی سنت و تجدّد پرداخته است. وی درباره‌ی این کتاب می‌گوید: «بررسی کتاب را می‌توان از سه منظر مدرنیسم و توهم مدرنیسم، تاریخ ادبیات و جامعه‌شناسی ساختارگرایی تکوینی مورد بررسی قرار داد. در این کتاب بخش‌های مغفول مانده‌ی تاریخ ادبیات مورد توجه قرار گرفته است.» (همان، ص ۵۱)

همچنین کتاب شعر و کودکی اثری ارزشمند از قیصرامین پور است که در آن پیوند شعر و کودکی بررسی شده و با استفاده از نظریه‌های روانشناسی درباره‌ی کودک و دوران کودکی به بررسی چرایی و چگونگی این که آیا شعر نوعی بازگشت به کودکی است می‌پردازد.

قیصر معتقد است که شعر و کودکی دو خانه‌ی قرینه و همانند و همسایه‌ی دیوار به دیوارند یا اصلاً دیواری در میان نیست. در این اثر پس از مقایسه‌ی همانندی تفکر کودک و تخیل شاعر، نمونه‌هایی از شعر سنتی و معاصر ایران آورده شده است. قیصر در مقدمه‌ی این کتاب نوشته است: «قصد ما در این‌جا پرداختن به نظریه‌ها درباره‌ی شعر و هنر نیست و تنها می‌خواهیم بدانیم آیا می‌توانیم از دستاوردهای روشنفکرانه‌ی روان‌شناسی پرتوی بر محدوده‌ی ذهن شاعر بیفکنیم بی‌آن که پر و بال شعر را در چارچوب نظریه‌ای خاص ببندیم.»

(امین پور، ۱۳۸۵، ص ۹)

کتاب مجموعه‌ی مقالات قیصرامین پور نیز که در دست چاپ است به زودی از سوی انتشارات مروارید به بازار کتاب خواهد آمد. مقالات قیصر توسط همسرش خانم زیبا اشراقی و با مشاوره‌ی دکتر مسعود جعفری گرد آوری و تنظیم شده، اما هنوز تعداد صفحات و مقالات آن مشخص نشده است.